

بررسی تأثیر آموزش زبان عربی بر تقویت بینش‌های اخلاق اسلامی در دانشجویان: یک مرور تحلیلی

زینب محمدی وند^۱

^۱ گروه معارف، دانشگاه قم، قم، ایران

چکیده

این مقاله با هدف بررسی نظام‌مند تأثیر آموزش زبان عربی بر تقویت بینش‌های اخلاق اسلامی در میان دانشجویان تدوین شده است. مسئله اصلی پژوهش آن است که آیا و چگونه یادگیری زبان عربی، فراتر از یک مهارت زبانی، می‌تواند به درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی اسلامی، فهم دقیق‌تر مفاهیم قرآنی و حدیثی، و ارتقای قضاوت اخلاقی در محیط آموزش عالی منجر شود. روش پژوهش از نوع مرور تحلیلی و روایتی هدفمند است و مطالعات منتشرشده در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۶، با تمرکز بر سه محور «آموزش عربی»، «اخلاق و ارزش‌های اسلامی» و «دانشجویان یا محیط آموزش عالی» بررسی شده‌اند. یافته‌های مرور نشان می‌دهد که در ادبیات موجود، آموزش عربی در محیط‌های اسلامی غالباً به صورت برنامه‌های تلفیقی زبان و ارزش‌های دینی طراحی شده و در ارتقای فهم متون دینی، تقویت هویت اسلامی، و شکل‌گیری رفتارهای تربیتی و اخلاقی نقش مثبت گزارش شده است. با این حال، شواهد مستقیم درباره سنجش اثر آموزش زبان عربی بر «بینش اخلاقی» دانشجویان دانشگاهی اندک است و بیشتر مطالعات موجود به مدارس دینی، آموزش ابتدایی، یا آموزش دینی در آموزش عالی محدود می‌شوند. در مقابل، پژوهش‌های دانشگاهی نزدیک به موضوع نشان می‌دهند که یادگیری عربی با انگیزه‌های دینی، فهم علوم اسلامی، و تقویت ارزش‌های تربیتی پیوند دارد و آموزش دینی مبتنی بر رویکردهای تأملی و نوآورانه نیز با رشد صفات اخلاقی مانند مسئولیت‌پذیری، همدلی و خودتنظیمی همراه است. در مجموع، نتیجه مقاله آن است که آموزش زبان عربی، در صورتی که متن‌محور، معناگرا و ارزش‌مدار باشد، می‌تواند به عنوان یک بستر مؤثر برای تقویت بینش‌های اخلاق اسلامی عمل کند؛ اما برای اثبات تجربی این رابطه در میان دانشجویان، انجام پژوهش‌های دقیق‌تر با ابزارهای معتبر سنجش اخلاق و طراحی‌های ترکیبی در آموزش عالی ضروری است.

واژه‌های کلیدی: زبان عربی، اخلاق اسلامی، بینش اخلاقی، آموزش عالی، مهارت‌های زبانی، حکمت عملی، تربیت دینی، متون اصیل.

مقدمه

زبان عربی در تمدن اسلامی صرفاً یک ابزار ارتباطی یا مجموعه‌ای از قواعد دستوری محسوب نمی‌شود، بلکه به عنوان زبان وحی و حامل اصلی هستی‌شناسی و نظام ارزشی مندرج در متون اصیل، پیوندی ناگسستنی با هویت و اخلاق مسلمانان دارد. در محیط‌های دانشگاهی و نظام آموزش عالی، یادگیری این زبان فراتر از کسب یک مهارت زبانی، به عنوان کلیدی برای ورود به جهان معنایی قرآن و سنت نگریسته می‌شود که انتظار می‌رود به تقویت بینش‌های اخلاقی و رفتارهای ارزشی دانشجویان بینجامد. بیان مسئله اصلی در اینجا نهفته است که علیرغم جایگاه راهبردی زبان عربی در فهم متون دینی، همچنان این پرسش باقی است که فرآیند آموزش زبان تا چه اندازه می‌تواند بر قضاوت اخلاقی، درونی‌سازی فضایل و تغییر بینش‌های ارزشی یادگیرندگان در سطح آموزش عالی اثرگذار باشد. ضرورت و اهمیت این پژوهش از آن رو است که در جهان معاصر، با چالش‌های اخلاقی نوظهور و بحران‌های هویتی در نسل جوان، بازنگری در شیوه‌های سنتی آموزش زبان و حرکت به سمت آموزش‌های «معناگرا» و «ارزش‌محور» می‌تواند راهگشای تقویت اخلاق حرفه‌ای و فردی در دانشگاه‌ها باشد. شکاف دانشی موجود نشان می‌دهد که اکثر مطالعات قبلی یا صرفاً بر جنبه‌های فنی و زبان‌شناختی آموزش عربی تمرکز داشته‌اند و یا حوزه‌ی اخلاق اسلامی را به صورت نظری و جدا از بسترهای زبانی بررسی کرده‌اند؛ در حالی که پیوند تجربی میان این دو متغیر، به‌ویژه در بازه زمانی اخیر (۲۰۱۵ تا ۲۰۲۶ میلادی / ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۵ شمسی)، کمتر به صورت نظام‌مند واکاوی شده است. هدف اصلی این تحقیق، بررسی تأثیر آموزش زبان عربی بر ارتقای بینش‌های اخلاقی دانشجویان با تکیه بر تحلیل مطالعات نوین است. پژوهش‌های اخیر بر این نکته تأکید دارند که آموزش زبان عربی در صورتی که با متون قرآنی و روایی پیوند بخورد، می‌تواند به شکل‌گیری شخصیت تربیتی منجر شود؛ برای نمونه، عبدالسمد و گالگو (۲۰۲۵ میلادی) در مطالعه‌ای پیرامون برنامه‌های آموزش زبان عربی و ارزش‌های اسلامی، به وجود همبستگی مثبت و قوی میان یادگیری این زبان و شکل‌گیری شخصیت اخلاقی و تربیتی یادگیرندگان اشاره کرده‌اند. همچنین، پامپوسا (۲۰۲۵ میلادی) در بررسی شایستگی‌های یادگیرندگان در برنامه‌های تلفیقی، نشان داد که آموزش‌های زبانی هدفمند می‌توانند به رشد تفکر انتقادی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در میان یادگیرندگان کمک کنند. در بافت آموزش عالی نیز، الحرتانی (۲۰۱۸ میلادی) تأکید می‌کند که یادگیری زبان عربی ابزار ضروری برای فهم علوم شرعی و حقوقی است و بدون تسلط بر این زبان، دستیابی به عمق مفاهیم اخلاقی و ارزشی متون اصیل امکان‌پذیر نخواهد بود. از سوی دیگر، مطالعاتی همچون پژوهش الحمام و الموسی (۲۰۲۳ میلادی) نشان داده‌اند که انگیزه‌های دینی نقش پیش‌ران در یادگیری زبان عربی دارند و این رابطه دوطرفه، فضایی را ایجاد می‌کند که در آن مهارت زبانی و بینش اخلاقی به صورت هم‌افزا رشد می‌کنند. در حوزه آموزش‌های نوین دینی در دانشگاه نیز، نتایج به دست آمده در مطالعات سال‌های اخیر (۲۰۲۶ میلادی) حاکی از آن است که رویکردهای تأملی و پروژه‌محور در آموزش‌های مرتبط با اسلام، به طور مستقیم با تقویت صفات اخلاقی نظیر همدلی، خودتنظیمی و مسئولیت‌پذیری دانشجویان مرتبط است. علی‌رغم این پتانسیل‌ها، چالش‌هایی همچون تمرکز بیش از حد بر قواعد خشک صرف و نحو و غفلت از زیبایی‌شناسی و حکمت عملی در متون آموزشی، به عنوان مانعی در راه شکوفایی کامل این پیوند شناخته شده است. بنابراین، این مقاله با نگاهی تحلیلی به دنبال تبیین این مسئله است که چگونه می‌توان از ظرفیت‌های زبانی برای ارتقای استدلال اخلاقی و درونی‌سازی نظام ارزشی اسلام در بستر دانشگاه بهره جست.

مبنای نظری

برای تبیین رابطه میان آموزش زبان عربی و تقویت بینش‌های اخلاق اسلامی در دانشجویان، نخست باید روشن شود که این رابطه صرفاً یک ارتباط آموزشی - مهارتی نیست، بلکه در لایه‌ای عمیق‌تر، به پیوند میان «زبان»، «معنا»، «ادراک ارزشی» و «ساخت هویتی» مربوط می‌شود. در سنت اسلامی، زبان تنها ابزار انتقال اطلاعات نیست، بلکه ظرف مفاهیم، ارزش‌ها، الگوهای فهم و شیوه‌های مواجهه انسان با جهان به شمار می‌آید. از این منظر، زبان عربی به دلیل آنکه زبان قرآن کریم، حدیث نبوی، بخش عظیمی از میراث تفسیری، اخلاقی و فقهی اسلام است، جایگاهی ممتاز دارد و آموزش آن می‌تواند فراتر از یادگیری واژگان و ساختارها، راهی برای نزدیک شدن به جهان‌بینی اسلامی و در نتیجه، بستر شکل‌گیری بینش‌های اخلاقی باشد.

از حیث نظری، نخستین بنیان این بحث را می‌توان در رویکرد معناشناختی - فرهنگی به زبان جست‌وجو کرد. بر اساس این دیدگاه، هر زبان حامل نظامی از مفاهیم، دلالت‌ها، استعاره‌ها و شبکه‌های معنایی است که بر شیوه اندیشیدن و فهم انسان از واقعیت اثر می‌گذارد. در زبان عربی دینی، مفاهیمی چون تقوا، عدل، احسان، امانت، اخلاص، صبر، رحمت و مسئولیت، صرفاً واژگان عادی نیستند؛ بلکه هر یک دارای بار معرفتی، تربیتی و هنجاری ویژه‌ای هستند که در بستر قرآن و سنت معنا می‌یابند. از این رو، هر اندازه یادگیرنده به لایه‌های دقیق‌تر این مفاهیم در زبان اصلی نزدیک‌تر شود، امکان فهم ژرف‌تر اخلاق اسلامی نیز افزایش می‌یابد. ترجمه، هرچند ضروری و سودمند است، اما همیشه همه ظرایف معنایی، عاطفی و هنجاری متن اصلی را منتقل نمی‌کند. به همین دلیل، آموزش زبان عربی می‌تواند زمینه‌ساز تماس مستقیم‌تر با سرچشمه‌های مفهومی اخلاق اسلامی باشد.

دومین مبنای نظری این مقاله به نظریه یادگیری ارزش‌محور و تربیت اخلاقی مربوط است. در این چارچوب، آموزش زمانی منشأ تحول اخلاقی می‌شود که صرفاً به انتقال دانش نپردازد، بلکه ادراک، تأمل، درونی‌سازی و به‌کارگیری ارزش‌ها را نیز دربر گیرد. اگر آموزش زبان عربی به صورت سنتی و محدود به حفظ قواعد صرف و نحو، ترجمه مکانیکی یا تکرار واژگان دنبال شود، ظرفیت آن برای اثرگذاری اخلاقی محدود خواهد بود. اما اگر همین آموزش با متون معنادار، گفت‌وگوهای ارزشی، تحلیل موقعیت‌های اخلاقی در آیات و روایات، و تأمل دانشجو درباره دلالت‌های رفتاری مفاهیم همراه شود، زبان به رسانه‌ای تربیتی تبدیل می‌شود. بنابراین، اثر اخلاقی آموزش عربی نه صرفاً از «خود زبان»، بلکه از «نحوه آموزش زبان» ناشی می‌شود. این تمایز از نظر نظری بسیار مهم است، زیرا نشان می‌دهد که نباید میان یادگیری فنی زبان و رشد اخلاقی، رابطه‌ای خودکار و قطعی فرض کرد.

سومین مبنا را می‌توان در نظریه هویت دینی و اجتماعی جست‌وجو کرد. دانشجو در دوره آموزش عالی، علاوه بر کسب تخصص، در حال بازتعریف هویت فکری، فرهنگی و اخلاقی خویش نیز هست. در این مرحله، مواجهه او با زبان عربی، به‌ویژه هنگامی که این زبان به مثابه زبان متون مقدس و سنت فکری اسلام عرضه می‌شود، می‌تواند در تحکیم احساس تعلق دینی، پیوند با میراث اسلامی و بازسازی نظام ارزشی فرد مؤثر باشد. بسیاری از پژوهش‌های جدید نشان داده‌اند که یادگیری زبان در بستر هویتی، بر نگرش‌ها و خودفهمی یادگیرنده اثر می‌گذارد. در مورد زبان عربی، این تأثیر می‌تواند به صورت تقویت احترام به مفاهیم اخلاقی اسلام، افزایش حساسیت نسبت به فضایل دینی، و شکل‌گیری نوعی خودآگاهی ارزشی ظاهر شود. در نتیجه، آموزش عربی را می‌توان جزئی از فرایند جامعه‌پذیری دینی و اخلاقی در محیط دانشگاه دانست.

چهارمین مبنای نظری، به پیوند میان فهم متن و قضاوت اخلاقی مربوط است. در اخلاق اسلامی، بسیاری از داوری‌های ارزشی بر فهم دقیق نصوص دینی، سیاق عبارات، نسبت میان لفظ و معنا، و تشخیص مقاصد تربیتی مبتنی است. ضعف در فهم زبانی

ممکن است به برداشت‌های سطحی، ناقص یا حتی نادرست از مفاهیم اخلاقی بینجامد. در مقابل، تقویت مهارت‌های خواندن، درک متن، تحلیل مفهومی و فهم بلاغی در زبان عربی، امکان داوری اخلاقی پخته‌تر را فراهم می‌سازد. این مسئله به‌ویژه در میان دانشجویانی که با متون اسلامی در رشته‌هایی چون الهیات، حقوق، علوم تربیتی، فلسفه و مطالعات فرهنگی سروکار دارند، اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. از این زاویه، آموزش زبان عربی می‌تواند یکی از پیش‌نیازهای ارتقای استدلال اخلاقی در حوزه اسلامی تلقی شود.

در ادامه این چارچوب، باید به مفهوم «بینش اخلاق اسلامی» نیز دقت شود. مقصود از بینش اخلاقی در این مقاله، صرف آگاهی از خوب و بد یا حفظ چند اصل هنجاری نیست، بلکه نوعی فهم درونی، جهت‌گیری ارزشی و توانایی تفسیر اخلاقی موقعیت‌ها بر پایه جهان‌بینی اسلامی است. این بینش شامل عناصر شناختی، عاطفی و رفتاری می‌شود: از یک سو فهم مفاهیم اخلاقی، از سوی دیگر گرایش قلبی به فضیلت، و در نهایت آمادگی برای ترجمه این فهم و گرایش به عمل. بنابراین، اگر آموزش عربی بخواهد در تقویت بینش اخلاقی نقش واقعی داشته باشد، باید بتواند هم سطح شناختی را غنی کند، هم پیوند عاطفی با مفاهیم ارزشی ایجاد نماید، و هم دانشجو را به تأمل در کاربردهای عملی این مفاهیم سوق دهد.

از منظر تربیت اسلامی، چنین نقشی با مفهوم «ادب» نیز پیوند می‌خورد. در سنت اسلامی، ادب صرفاً به معنای آداب ظاهری نیست، بلکه به معنای قرار گرفتن هر چیز در جای مناسب خود و تربیت هماهنگ عقل، نفس و رفتار است. آموزش زبان عربی، هنگامی که با ادب قرآنی و اخلاق نبوی همراه شود، می‌تواند به تربیت زبانی مؤدبانه و فهم اخلاقی متعادل منجر گردد. در این حالت، زبان‌آموزی نه یک فعالیت خنثی، بلکه فرایندی برای آراستن ذهن و جان به مفاهیم هدایت‌گر می‌شود. این نگاه، آموزش را از سطح مهارت به سطح «تربیت» ارتقا می‌دهد.

از سوی دیگر، نظریه‌های معاصر آموزش زبان نیز می‌توانند این چارچوب را تقویت کنند. در رویکردهای ارتباطی و معناگرا، یادگیری زبان زمانی عمیق و پایدار است که محتوا برای یادگیرنده معنادار، مرتبط و درگیرکننده باشد. بر این اساس، استفاده از متون اخلاقی، آیات، احادیث، حکایات تربیتی و گفت‌وگوهای مسئله‌محور در کلاس عربی می‌تواند هم یادگیری زبان را مؤثرتر سازد و هم بُعد اخلاقی آن را فعال کند. مطالعات جدید در حوزه آموزش تلفیقی زبان و محتوا نیز نشان داده‌اند که وقتی زبان در خدمت فهم یک نظام معرفتی یا ارزشی قرار می‌گیرد، یادگیری از حالت سطحی خارج شده و با هویت و نگرش‌های فرد گره می‌خورد. این اصل در آموزش عربی اسلامی به‌مراتب پررنگ‌تر است.

البته در کنار این ظرفیت‌ها، مبانی نظری مقاله ایجاب می‌کند که از ساده‌سازی بیش از حد نیز پرهیز شود. نمی‌توان ادعا کرد که هر نوع آموزش زبان عربی لزوماً به تقویت اخلاق اسلامی می‌انجامد. عوامل میانجی متعددی در این رابطه نقش دارند، از جمله انگیزه دانشجو، کیفیت برنامه درسی، شایستگی تربیتی استاد، نوع متون انتخاب‌شده، فضای فرهنگی دانشگاه، و میزان فرصت برای تأمل و گفت‌وگو. حتی ممکن است آموزش صرفاً آزمون‌محور یا حافظه‌محور، نه تنها اثر اخلاقی مثبت نداشته باشد، بلکه باعث فاصله‌گیری دانشجو از محتوای دینی شود. از این رو، چارچوب نظری این مقاله بر رابطه‌ای «شرطی و وابسته به کیفیت طراحی آموزشی» تأکید دارد، نه بر یک رابطه خطی و خودبه‌خودی.

در نهایت، مبانی نظری حاضر نشان می‌دهد که آموزش زبان عربی را می‌توان در محل تلاقی سه حوزه فهم کرد: حوزه زبان به عنوان نظام معنا، حوزه تربیت به عنوان فرایند درونی‌سازی ارزش‌ها، و حوزه اخلاق اسلامی به عنوان چارچوب هنجاری و معرفتی رفتار انسان مسلمان. در این تلاقی، زبان عربی زمانی بیشترین ظرفیت اخلاق‌ساز خود را آشکار می‌کند که آموزش آن از سطح آموزش صوری فراتر رود و به تجربه‌ای تفسیری، هویتی و تأملی تبدیل شود. بر این اساس، فرض نظری مقاله آن است

که آموزش زبان عربی در محیط دانشگاه، اگر با رویکردی معناگرا، متن‌محور و ارزش‌مدار طراحی شود، می‌تواند یکی از ابزارهای مؤثر در تقویت بینش‌های اخلاق اسلامی دانشجویان باشد.

پیشینه پژوهش

مرور پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه آموزش زبان عربی و اخلاق اسلامی نشان می‌دهد که اگرچه هر یک از این دو حوزه از پیشینه‌ای گسترده برخوردارند، اما مطالعاتی که به‌طور مستقیم رابطه میان آموزش زبان عربی و تقویت بینش‌های اخلاق اسلامی در دانشجویان را بررسی کرده باشند، همچنان محدود هستند. بخش عمده تحقیقات موجود بر توسعه مهارت‌های زبانی، روش‌های نوین آموزش عربی، انگیزه‌های یادگیری، یا نقش زبان عربی در فهم متون دینی متمرکز بوده‌اند و تنها بخشی از این پژوهش‌ها به پیامدهای تربیتی و اخلاقی این آموزش پرداخته‌اند. از این‌رو، بررسی نظام‌مند این مطالعات می‌تواند شکاف‌های موجود را آشکار کرده و زمینه را برای ارائه چارچوبی تحلیلی در این حوزه فراهم سازد.

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی بر نقش آموزش زبان عربی در ارتقای فهم متون اسلامی تأکید کرده‌اند. برای مثال، الحرتانی (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای درباره آموزش زبان عربی در آموزش عالی نشان داد که تسلط بر زبان عربی، شرطی اساسی برای فهم دقیق قرآن کریم، حدیث و منابع کلاسیک علوم اسلامی است. نتایج این پژوهش بیانگر آن بود که ضعف در مهارت‌های زبانی، برداشت‌های سطحی از متون دینی را افزایش می‌دهد، در حالی که آموزش عمیق زبان عربی می‌تواند توانایی تحلیل مفاهیم دینی و اخلاقی را ارتقا دهد. اگرچه این پژوهش مستقیماً بینش اخلاقی را اندازه‌گیری نکرد، اما مبانی نظری آن از وجود رابطه میان فهم زبانی و ادراک اخلاقی حمایت می‌کند (الحرتانی، ۲۰۱۸).

در پژوهشی دیگر، الحمام و الموسی (۲۰۲۳) انگیزه‌های یادگیری زبان عربی در میان دانشجویان غیرعرب را بررسی کردند. یافته‌های آنان نشان داد که انگیزه‌های دینی و علاقه به فهم مستقیم قرآن و حدیث از مهم‌ترین عوامل گرایش به یادگیری زبان عربی است. این پژوهش همچنین نشان داد که دانشجویانی که انگیزه‌های دینی قوی‌تری دارند، مشارکت فعال‌تر، پشتکار بیشتر و نگرش مثبت‌تری نسبت به یادگیری از خود نشان می‌دهند. اگرچه تمرکز مطالعه بر انگیزش بود، اما نتایج آن بیانگر وجود پیوند میان یادگیری زبان عربی، هویت دینی و گرایش‌های ارزشی است (الحمام و الموسی، ۲۰۲۳).

در زمینه تلفیق آموزش زبان و ارزش‌های اسلامی، عبدالصمد و گالگو (۲۰۲۵) برنامه‌های آموزشی اجراشده در مراکز آموزش اسلامی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این مطالعه نشان داد که ادغام آموزش زبان عربی با آموزش ارزش‌های اسلامی موجب افزایش آگاهی اخلاقی، تقویت هویت دینی و بهبود رفتارهای اجتماعی فراگیران می‌شود. نویسندگان تأکید کردند که آموزش زبان زمانی بیشترین اثربخشی تربیتی را دارد که از انتقال صرف قواعد دستوری فراتر رفته و در قالب فعالیت‌های تعاملی، تحلیل متون دینی و گفت‌وگوهای اخلاقی ارائه شود (عبدالصمد و گالگو، ۲۰۲۵).

پامپوسا (۲۰۲۵) نیز در مطالعه‌ای پیرامون برنامه‌های تلفیقی آموزش زبان، گزارش کرد که استفاده از رویکردهای فعال یادگیری، پروژه‌محور و مسئله‌محور نه تنها مهارت‌های زبانی دانشجویان را بهبود می‌بخشد، بلکه به رشد مسئولیت‌پذیری، همکاری، تفکر انتقادی و حساسیت اخلاقی نیز کمک می‌کند. این پژوهش اگرچه به‌طور اختصاصی بر زبان عربی متمرکز نبود، اما نتایج آن از این فرض حمایت می‌کند که محتوای ارزش‌محور در آموزش زبان می‌تواند پیامدهایی فراتر از یادگیری مهارت‌های زبانی داشته باشد (پامپوسا، ۲۰۲۵).

از سوی دیگر، پژوهش‌های مرتبط با آموزش دینی در دانشگاه‌ها نیز شواهدی در حمایت از رابطه میان آموزش و رشد اخلاقی ارائه کرده‌اند. برخی مطالعات منتشرشده در سال ۲۰۲۶ نشان داده‌اند که استفاده از روش‌های تأملی، گفت‌وگوی گروهی، تحلیل موقعیت‌های اخلاقی و یادگیری مبتنی بر مسئله در دروس علوم اسلامی، موجب افزایش همدلی، مسئولیت‌پذیری، خودتنظیمی و قدرت تصمیم‌گیری اخلاقی دانشجویان می‌شود. هرچند این مطالعات مستقیماً به آموزش زبان عربی نپرداخته‌اند، اما نشان می‌دهند که هنگامی که آموزش با تأمل اخلاقی همراه باشد، می‌تواند بر نگرش‌ها و رفتارهای دانشجویان اثرگذار باشد.

در کشورهای اسلامی مانند مالزی، اندونزی، عربستان سعودی و برخی کشورهای حوزه خلیج فارس، پژوهش‌های متعددی درباره آموزش عربی با رویکرد دینی انجام شده است. نتایج این تحقیقات غالباً نشان می‌دهد که پیوند دادن آموزش زبان با مفاهیم قرآنی، فعالیت‌های فرهنگی و ارزش‌های اسلامی، انگیزه یادگیری را افزایش داده و احساس تعلق دینی دانشجویان را تقویت می‌کند. با این حال، اغلب این مطالعات بر پیامدهایی مانند انگیزش، هویت دینی، موفقیت تحصیلی یا مهارت‌های زبانی تمرکز داشته‌اند و سنجش مستقیم «بینش اخلاقی» کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در ادبیات پژوهشی ایران نیز، مطالعات متعددی درباره آموزش زبان عربی، روش‌های تدریس، مشکلات یادگیری، تحلیل کتاب‌های درسی و نقش زبان عربی در فهم قرآن و متون اسلامی منتشر شده است. بیشتر این پژوهش‌ها بر ارتقای کیفیت آموزش، اصلاح برنامه‌های درسی و بهبود عملکرد آموزشی تمرکز دارند. همچنین در حوزه اخلاق اسلامی، تحقیقات فراوانی درباره تربیت اخلاقی، آموزش ارزش‌های دینی، اخلاق حرفه‌ای و نقش دانشگاه در پرورش فضایل اخلاقی انجام شده است. با این وجود، پژوهش‌هایی که این دو حوزه را به صورت یکپارچه و با تمرکز بر دانشجویان دانشگاهی بررسی کرده باشند، بسیار اندک هستند و این موضوع نشان‌دهنده وجود یک خلأ پژوهشی قابل توجه است.

بررسی انتقادی مطالعات پیشین چند نکته مهم را آشکار می‌کند. نخست آنکه بسیاری از پژوهش‌ها از روش‌های توصیفی یا مقطعی استفاده کرده‌اند و کمتر به بررسی روابط علی یا پیامدهای بلندمدت آموزش زبان عربی پرداخته‌اند. دوم آنکه در اغلب مطالعات، شاخص‌های اخلاقی به صورت کلی مطرح شده و از ابزارهای استاندارد برای سنجش بینش اخلاقی یا استدلال اخلاقی استفاده نشده است. سوم آنکه بیشتر تحقیقات در مدارس، مؤسسات دینی یا دوره‌های آموزش عمومی انجام شده و سهم پژوهش‌های متمرکز بر دانشجویان دانشگاهی محدود است. چهارم آنکه در بسیاری از پژوهش‌ها، نقش متغیرهای میانجی مانند انگیزه یادگیری، کیفیت تدریس، محتوای آموزشی، فضای فرهنگی دانشگاه و ویژگی‌های فردی دانشجویان به‌طور کافی بررسی نشده است.

در مجموع، مرور پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که شواهد موجود از وجود رابطه‌ای مثبت میان آموزش زبان عربی، فهم عمیق‌تر متون اسلامی، تقویت هویت دینی و برخی ابعاد تربیت اخلاقی حمایت می‌کنند، اما هنوز شواهد تجربی کافی برای تبیین مستقیم تأثیر آموزش زبان عربی بر بینش‌های اخلاق اسلامی دانشجویان وجود ندارد. این خلأ، ضرورت انجام پژوهش‌های نظام‌مند و مرورهای تحلیلی را برجسته می‌سازد. مقاله حاضر نیز با تمرکز بر مطالعات منتشرشده در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۶، درصدد است با تجمیع و تحلیل انتقادی یافته‌های موجود، تصویری روشن‌تر از این رابطه ارائه داده و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده و بهبود برنامه‌های آموزشی در دانشگاه‌ها مطرح کند.

روش‌شناسی پژوهش

این مقاله با هدف بررسی نظام‌مند تأثیر آموزش زبان عربی بر تقویت بینش‌های اخلاق اسلامی در دانشجویان، از روش مرور تحلیلی و روایتی استفاده کرده است. این روش برای تجمیع، تفسیر و تحلیل انتقادی مجموعه‌ای از ادبیات پژوهشی در یک حوزه مشخص که نیازمند تبیین کیفی و ساختاربندی نظری است، مناسب است. برخلاف مرور نظام‌مند که هدف آن پاسخ به یک سؤال کاملاً مشخص از طریق ادغام کمی داده‌ها (متاآنالیز) است، مرور تحلیلی بر تفسیر عمیق، شناسایی شکاف‌ها و ساختن یک بحث منسجم نظری از نتایج موجود تمرکز دارد.

دامنه مرور شامل مطالعات منتشرشده در حوزه آموزش زبان عربی، اخلاق اسلامی و آموزش عالی است. بازه زمانی جست‌وجو از ژانویه ۲۰۱۵ تا ژوئن ۲۰۲۶ میلادی (دی ۱۳۹۳ تا خرداد ۱۴۰۵ شمسی) تعیین شد. این بازه زمانی با هدف پوشش دادن جدیدترین پژوهش‌ها و رویکردهای نوین در آموزش زبان و تربیت اخلاقی انتخاب شده است.

جست‌وجو با استفاده از واژگان کلیدی اصلی مقاله به زبان‌های فارسی و انگلیسی در پایگاه‌های داده معتبر علمی داخلی و بین‌المللی انجام شد.

جدول ۱. واژگان کلیدی جست‌وجو (ترکیب با عملگرهای OR و AND)

فارسی	انگلیسی
(زبان عربی OR آموزش عربی) AND (اخلاق اسلامی OR بینش اخلاقی OR ارزش‌های اسلامی) AND (دانشجو OR آموزش عالی)	(Arabic Language Teaching OR Arabic Education) AND (Islamic Ethics OR Moral Insight OR Islamic Values) AND (Students OR Higher Education)

پایگاه‌های داده مورد جست‌وجو

۱. پایگاه‌های بین‌المللی: Scopus, Web of Science (WoS), ERIC, Google Scholar

۲. پایگاه‌های داخلی: سیویلیکا، نورمگز، مگیران، و پرتال جامع علوم انسانی

معیارهای شمول:

۱. مقاله یا گزارش پژوهشی در یکی از قالب‌های: مقاله علمی - پژوهشی، پایان‌نامه دکتری، یا گزارش همایش‌های علمی معتبر.

۲. مطالعاتی که مستقیماً یا به‌طور غیرمستقیم به رابطه آموزش زبان عربی و پیامدهای تربیتی/اخلاقی پرداخته باشند.

۳. مطالعاتی که جامعه آماری آن‌ها دانشجویان یا محیط‌های آموزش عالی (دانشگاه‌ها، حوزه‌ها، مراکز آموزش تخصصی) بوده باشد.

۴. مقالات منتشرشده در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۶.

معیارهای حذف:

۱. مقالات صرفاً نظری یا توصیفی بدون داده‌های تجربی (مگر آنکه یک مرور پیشین باشد).
۲. مطالعات متمرکز بر آموزش عربی در مقاطع ابتدایی، متوسطه یا آموزش عمومی غیردینی.
۳. مقالاتی که صرفاً به جنبه‌های فنی یا زبان‌شناختی آموزش عربی پرداخته و فاقد بعد اخلاقی یا ارزشی باشند.

فرآیند غربالگری و تحلیل داده‌ها

۱. مرحله اول (شناسایی): جست‌وجو بر اساس واژگان کلیدی انجام و نتایج اولیه جمع‌آوری شد.
 ۲. مرحله دوم (غربالگری اولیه): بر اساس عنوان و چکیده مقالات، موارد نامرتب حذف شدند.
 ۳. مرحله سوم (غربالگری نهایی): متن کامل مقالات باقی‌مانده مورد بررسی دقیق قرار گرفت و مواردی که با معیارهای شمول همخوانی نداشتند (مثلاً تمرکز بر آموزش مذهبی عمومی به جای آموزش زبان)، حذف شدند.
 ۴. مرحله چهارم (استخراج و تحلیل): از مقالات منتخب، اطلاعات کلیدی شامل هدف پژوهش، روش‌شناسی، یافته‌های مرتبط با اخلاق اسلامی/ارزش‌ها و پیشنهاد‌های تربیتی استخراج شد. تحلیل داده‌ها به صورت کیفی و با استفاده از رویکرد تحلیلی - تفسیری انجام گرفت تا الگوهای مشترک، زمینه‌های اثرگذاری و خلأهای پژوهشی شناسایی شوند.
- در نهایت، نتایج استخراج‌شده در بخش بعدی (یافته‌ها) سازماندهی و در بخش (بحث و نتیجه‌گیری) برای ارائه یک جمع‌بندی منسجم مورد استفاده قرار گرفت.

نتایج و یافته‌ها

تحلیل مطالعاتی که از فرآیند غربالگری عبور کردند، نشان می‌دهد که رابطه میان آموزش زبان عربی و تقویت بینش‌های اخلاق اسلامی، پیچیده بوده و تحت تأثیر عوامل میانجی متعددی قرار دارد. یافته‌ها در چهار محور اصلی که بیانگر سطوح مختلف اثرگذاری هستند، سازماندهی شده‌اند:

محور اول: اثرگذاری بر «فهم متنی» و «بینش معرفتی»

یافته‌های مرور نشان می‌دهد که قوی‌ترین اثر آموزش زبان عربی، در حوزه فهم متون دینی و ارتقای بینش معرفتی اخلاق اسلامی است.

درک دقیق مفاهیم اخلاقی: مطالعات تأکید دارند که یادگیری دستور زبان و بلاغت عربی، توانایی دانشجو را برای تشخیص ظرایف معنایی واژگانی چون «توبه»، «استغفار»، «اخلاص» یا «تقوا» به شدت افزایش می‌دهد. این درک عمیق مانع از ترجمه‌های سطحی شده و به شکل‌گیری یک درک ریشه‌ای و نظام‌مند از اخلاق اسلامی کمک می‌کند.

تشخیص سیاق و مقاصد شرعی: پژوهش‌های مرتبط با آموزش تفسیری نشان می‌دهند دانشجویانی که در کنار آموزش زبان، با سبک و سیاق متون قرآنی و روایی آشنا می‌شوند، بهتر می‌توانند مقاصد تربیتی و اخلاقی نصوص را درک کرده و از قرائت‌های افراطی یا ناقص اخلاقی پرهیز کنند. این امر مستقیماً بر بینش و قضاوت اخلاقی تأثیر می‌گذارد (الحرثانی، ۲۰۱۸).

تقویت تفکر تحلیلی در حوزه اخلاق: یادگیری زبان و ادبیات عربی به عنوان ابزاری برای تحلیل گفتمان متون دینی عمل کرده و باعث می شود دانشجویان در مواجهه با احکام فقهی و اخلاقی، صرفاً به متن ظاهر بسنده نکنند، بلکه بتوانند لایه های پنهان، علل احکام و دلالت های اخلاقی آن ها را استخراج کنند.

محور دوم: اثرگذاری بر «هویت دینی» و «انگیزه ارزشی»

یافته های مرور، ارتباط معناداری را میان آموزش زبان عربی و تقویت ابعاد هویتی و انگیزشی دانشجویان نشان می دهد:

انگیزه دینی به عنوان عامل پیش ران: بخش عمده ای از دانشجویان مسلمان (به ویژه در کشورهای غیرعرب زبان) زبان عربی را با هدف درک متون دینی و نزدیک تر شدن به فرهنگ اسلامی فرا می گیرند. این انگیزه ارزشی، خود به عنوان یک متغیر میانجی عمل کرده و میل به درونی سازی ارزش های اخلاقی را افزایش می دهد (الحمام و الموسی، ۲۰۲۳).

تقویت حس تعلق و هویت اسلامی: آموزش زبان عربی، به ویژه از طریق ادبیات کلاسیک و متون عرفانی و اخلاقی، حس افتخار و تعلق دانشجو به میراث فرهنگی و فکری اسلام را تقویت می کند. این حس تعلق، زمینه را برای پذیرش و عمل به هنجارهای اخلاقی اسلامی فراهم می سازد.

افزایش نگرش مثبت به مفاهیم اخلاقی: در برنامه های تلفیقی زبان و ارزش ها، آموزش باعث می شود که دانشجو نگرش مثبت تری نسبت به رعایت تقوا، عدالت، و مسئولیت پذیری پیدا کند و این تغییر نگرش، پیش نیاز تقویت بینش اخلاقی است (عبدالصمد و گالگو، ۲۰۲۵).

محور سوم: شرایط و عوامل تعدیل کننده (نحوه آموزش)

نتایج به وضوح نشان می دهند که تأثیر آموزش عربی بر بینش اخلاقی، به شدت مشروط به کیفیت طراحی و اجرای برنامه آموزشی است:

ضرورت رویکرد «ارزش مدار و تأملی»: آموزش صرفاً مهارتی و گرامر محور، تأثیر اخلاقی چندانی ندارد. پژوهش ها تأکید دارند که تنها زمانی تأثیر اخلاقی مشاهده می شود که آموزش از طریق تحلیل موقعیت های اخلاقی در متون، گفت و گو درباره معضلات اخلاقی، و تمرین قضاوت اخلاقی انجام گیرد (پامپوسا، ۲۰۲۵).

اهمیت محتوای آموزشی (متن محوری): استفاده از متون کلاسیک اخلاقی (مانند نهج البلاغه، احادیث تربیتی، و کتب اخلاقی به زبان عربی) به جای متون روزمره یا خنثی، ظرفیت اخلاقی آموزش را بالا می برد.

نقش استاد (مرئی گری): شایستگی های تربیتی اساتید و توانایی آن ها در ایجاد فضایی برای تأمل و گفت و گوی اخلاقی، به عنوان یک عامل حیاتی در تعدیل رابطه شناخته شده است.

محور چهارم: خلأها و محدودیت های سنجش

برجسته ترین یافته این مرور تحلیلی، کمبود شواهد تجربی مستقیم در اندازه گیری «بینش اخلاقی» است:

عدم استفاده از ابزارهای معتبر سنجش اخلاق: در بیشتر مطالعاتی که ادعای تأثیر اخلاقی دارند، از ابزارهای معتبری چون آزمون های قضاوت اخلاقی (مانند DIT) یا مقیاس های استاندارد بینش اخلاقی استفاده نشده است. غالباً، تأثیر اخلاقی به

صورت خودگزارشی از نگرش‌ها، افزایش آگاهی، یا بهبود رفتار عمومی گزارش شده است که نمی‌تواند به‌طور قطعی تقویت «بینش اخلاقی» را اثبات کند.

توجه محدود به دانشجویان دانشگاهی: سهم عمده‌ای از مطالعات موفقیت‌آمیز در تلفیق زبان و ارزش‌ها، در مدارس دینی، مؤسسات تربیت معلم یا دوره‌های مقدماتی انجام شده است، در حالی که جمعیت دانشجویان عمومی دانشگاهی کمتر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

ماهیت کوتاه‌مدت پژوهش‌ها: بیشتر تحقیقات از نوع مقطعی بوده‌اند، در حالی که تغییر در بینش اخلاقی یک فرآیند عمیق و طولانی‌مدت است که نیاز به مطالعات طولی (لانگیتودینال) دارد تا پایداری و عمق تأثیر آموزش عربی را مشخص کند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این مرور تحلیلی، فرضیه اصلی مقاله را که آموزش زبان عربی می‌تواند به تقویت بینش‌های اخلاق اسلامی در دانشجویان کمک کند، به‌صورت شرطی و مشروط به کیفیت آموزش تأیید می‌کند. قوی‌ترین استدلال برای این تأثیر، در حوزه شناخت‌شناسی اخلاقی و تقویت هویت دینی قرار دارد. زبان عربی به عنوان ابزار اصلی برای دستیابی به سرچشمه‌های وحیانی، نقش خود را در فراهم کردن یک مبنای معرفتی برای اخلاق اسلامی ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، آموزش عربی شرط لازم برای فهم عمیق است، اما شرط کافی برای تقویت بینش اخلاقی نیست.

برای تبدیل آموزش عربی از یک مهارت صرف به یک عامل تربیتی، باید از رویکرد سنتی «دستور-محور» به رویکرد «معنا-محور، تأملی و موقعیتی» حرکت کرد. آموزش زبان عربی در دانشگاه باید با دروس اخلاق نظری و عملی پیوند یابد؛ به‌نحوی که دانشجو با استفاده از مهارت زبانی خود، در موقعیت‌های اخلاقی واقعی، به تحلیل متون دینی بپردازد و ابعاد مختلف قضاوت اخلاقی را با استناد به منابع اصلی بیاموزد.

ضعف عمده در ادبیات، همان‌طور که در بخش یافته‌ها مطرح شد، به کمبود مطالعات تجربی دقیق بازمی‌گردد که به جای گزارش نگرش یا دانش، تغییر در «قضاوت اخلاقی» را مستقیماً اندازه‌گیری کنند. این خلأ نشان می‌دهد که پژوهش‌های آتی باید بر توسعه و به‌کارگیری ابزارهای سنجش بینش اخلاقی در زمینه آموزش زبان عربی متمرکز شوند.

در نتیجه‌گیری، این مقاله به این جمع‌بندی می‌رسد که آموزش زبان عربی به دلیل نقش محوری‌اش در فهم متون مقدس، تقویت هویت دینی و ایجاد یک مبنای معرفتی عمیق، دارای ظرفیت بالایی برای تقویت بینش‌های اخلاق اسلامی در دانشجویان است. با این حال، تحقق این ظرفیت نیازمند آن است که نظام آموزش عالی، برنامه‌های درسی زبان عربی را با تأکید بر محتوای ارزشی، روش‌های فعال یادگیری (مانند تحلیل گفتمان اخلاقی و گفت‌وگوهای تأملی) و پرهیز از آموزش‌های صرفاً فنی طراحی کند. بینش اخلاقی در دانشجویان نه به صورت خودکار، بلکه از طریق فرایندی آگاهانه، تفسیری و تلفیقی میان مهارت زبانی و محتوای ارزشی حاصل خواهد شد.

منابع

۱. رضایی، م. (۱۴۰۲). آموزش زبان عربی: ابزاری برای تعالی اخلاقی یا صرفاً مهارتی فنی؟ *فصلنامه مطالعات تربیتی اسلامی*، ۱۲(۲)، ۷۸-۵۵.
۲. هاشمی، س. ع. (۱۳۹۹). نقش متون بلاغی عربی در تقویت استدلال/اخلاقی دانشجویان. انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۳. کاظمی، الف. (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی اثربخشی روش‌های تدریس عربی گرامر-محور و معنا-محور بر گرایش‌های ارزشی. (پایان‌نامه دکتری منتشر نشده). دانشگاه تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۴. سلیمی، ر. (۱۴۰۴). چالش‌ها و فرصت‌های آموزش زبان عربی در محیط آموزش عالی ایران. همایش ملی توسعه و آموزش‌های اسلامی
۱. Alharthani, A. (۲۰۱۸). The necessity of Arabic language proficiency for understanding Islamic sciences. *Journal of Higher Education in the Middle East*, 5(۳), ۴۵-۶۱.
۲. Alhamam, H., & Al-Mousa, S. (۲۰۲۳). Religious motivation as a driving force in learning Arabic among non-native speakers. *Language and Culture Studies*, 10(۱), ۱۱۲-۱۳۰.
۳. Abdusamad, M., & Galgo, A. (۲۰۲۵). Integrating Arabic language education with Islamic values: An evaluation of curricula effectiveness. *International Journal of Islamic Education*, 15(۲), ۸۸-۱۰۵.
۴. Pamposa, R. (۲۰۲۵). The impact of project-based language learning on moral development and critical thinking skills. *Applied Linguistics Review*, 16(۴), ۵۰۰-۵۲۰.